

درآمد - هزینه خانوار

فریبرز رئیس دانا*

این اجزا، به ویژه رشد و رفاه، را دریابد، و آن را تدوین و پالایش کرد. به هر صورت، عمر توسعه لیبرالی و نولیبرالی و نیز اقتصاد دستوری، در پرتو نیاز انسان به توسعه همگانی و مطمئن، پایان یافته به نظر می‌رسد.

۱. تعاریف

۱.۱. توزیع درآمد

بیان آماری و کلی چگونگی تملک و تصاحب درآمد جامعه توسط افراد، خانوارها، مؤسسات و شرکت‌های خصوصی و جمعی و عمومی و دولتی (رئیس دانا، ۱۳۸۰: فصل ۱).

۲.۱. هزینه و درآمد خانوار

متوسط هزینه گروه‌های مختلف خانوار بر حسب انواع هزینه، همچنین می‌توان نسبت‌هایی از کل خانوارها را که به مقادیر معین هزینه دارند به عنوان شاخص آماری در نظر گرفت. این اندازه‌گیری‌های آماری را می‌توان، به جای هزینه، برای درآمد خانوار نیز انجام داد (همان).

۳.۱. میانگین افراد خانوار

متوسط تعداد افراد خانوار در کل جامعه یا در گروه‌ها و زیرگروه‌های درآمدی، هزینه‌ای، شغلی، جغرافیایی، قومی و جز آن (همان).

۴. توسعه اقتصادی

سطح و مقدار ترکیبی از رشد مادی و اجتماعی که می‌تواند در مدت زمان طولانی و کافی بالا برود و بادوام باشد و، در واقع، بیانگر رشد و توان ظرفیت‌های تولیدی و ارتقای اجتماعی و رفاهی و فرهنگی باشد (همان).

مقدمه

تشخیص رابطه بین توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، هم برای شناخت روابط اقتصاد سیاسی هر جامعه و هم برای تدوین سیاست و برنامه رشد مادی و بهزیستی اجتماعی ضروری است، گرچه امری آسان و روشن و قطعی نیست. در واقع، به جای تشخیص قاطع، بحث در حوزه تحلیل‌های اقتصاد سیاسی قرار می‌گیرد. این حوزه، از یک سو، بازتاب دهنده منافع و تعارض‌های مادی و اجتماعی و طبقاتی است و، از سوی دیگر، با تجویزهای متفاوت و ارزشی سروکار دارد. در مثل، این بحث که آیا توزیع عادلانه درآمد و خدمات رفاهی و اجتماعی ابراز رشد و توسعه اقتصادی (آن هم در اندازه‌ها و زمان‌های مختلف) است یا بر عکس، جای مناقشه و نقد و تحلیل‌های متقابل داشته و دارد و خواهد داشت. انتخاب نه بر حسب علم و تجربه قاطع، بلکه به موجب راه و روش‌های از پیش مفروض، باورها، ارزش‌ها، سنت‌های مطالعاتی و تفسیرها صورت می‌گیرد.

در هر حال، نظر من این است که شناخت و انتخاب راه و روش، نخست مستلزم بررسی و نقد و تفسیر نوع فضای تاریخی و اجتماعی است که موضوع را در آن مطرح می‌کنیم. اما واقیت آن است که دیگر هیچ احساس انسانی و عقل سلیمی بر نمی‌تابد که، مدت‌های مديدة، راه و روش‌های بی‌ثمر و حتی کثرراهه‌ها برگزیده و طی شوند، به این امید که توسعه به هر شکل سرانجام رفاه اجتماعی را با خود به همراه می‌آورد. در دنیای امروز و با دانش و تجربه امروزی شناخته شده و تأیید شده بشری، می‌توانیم بگوییم که بین توسعه، رفاه، عدالت و دموکراسی نمی‌تواند جدایی مطلق وجود داشته باشد یا دوام بیاورد. باید در هر جامعه، متناسب با شرایط و ویژگی‌های آن، نظریه و الگویی یافت که از اساس رابطه متقابل

* دکترای اقتصاد (کاربردی و توسعه)

سرمایه‌گذاری می‌شود)، اما نمی‌تواند محرك توسعه گردد و با این جابه‌جایی‌ها، می‌توان به سمت سرمایه‌گذاری و اشتغال حرکت کرد. پیش از آن، در دهه پنجاه قرن گذشته، پل باران مصرف افراطی لایه‌های بالایی جامعه را بررسی کرده و نشان داده بود که این مصرف موجب عدم انباست کافی برای سرمایه‌گذاری می‌شود. در دهه‌های هشتاد و نود قرن گذشته، تحت تأثیر نولیبرالیسم اقتصادی و گرایش‌های راست جدید، سیاست تعديل از سوی بانک جهانی به همه کشورهای در حال توسعه معرفی شد و شمار زیادی از آنها را به دنبال خود کشاند (Williamson, 1990: 1, 1997: 60-61).

استیگلیتز، ۱۳۸۲: فصل ۱-۳. این بحث نیز از سوی کسانی چون فریدمن و فریدمن (۱۳۶۷) و آرنولد هاربرگر (۱۳۸۲: ۶۵۲-۶۳۲) مطرح شده بود و می‌شود که مقوله توزیع درآمد و عدالت و رفاه اجتماعی، و نیز بحث توسعه، اساساً مربوط به علم اقتصاد نیست. علم اقتصاد باید فقط با کشف قوانین و سازوکار بازار (اگر هم خیالی، با تقویت آن) سروکار داشته باشد. این نظریه نیز مانند سیاست‌های تعديل ساختاری، چنانکه ویلیامسن نشان داد و نامگذاری کرد، محصول توافق اعلام‌نشده واشنینگتن بود.

بعداً، از سوی جوزف استیگلیتز (۱۳۸۲: فصل ۸-۴) فصل ۱-۲) که خود از واضعان نظریه تعديل ساختاری بود و آمارتیا سن (۱۳۸۱: فصل ۱۰)، انتقاد مکتب پساواشینگتن به نظریه‌های راست افراطی، بر پایه شکست‌ها و مصیبت‌های ناشی از کاربرد سیاست تعديل ساختاری و توافق واشنینگتن، مطرح و ماندگار شد. ضرورت تحلیل و بررسی عدالت اجتماعی، توزیع درآمد و ثروت، رفاه و بیمه‌های اجتماعی مجدداً مطرح شد. بانک جهانی و تاحدي صندوق بین‌المللی پول و بانک‌های توسعه منطقه‌ای به مسائل تأمین و بیمه‌های اجتماعی پرداخته‌اند. امروز اقتصاددانان، پس از تجربه محرومیت گسترده توده‌های مردم در پی اجرای سیاست‌های نولیبرالی تعديل ساختاری و نیز تجربه بحران اقتصاد جهانی به شکل‌ها و اندازه‌های مختلف، مجدداً به کینزگرایی، نوکینزگرایی، برنامه‌ریزی ارشادی، دولت رفاه و سیاست‌های توسعه اجتماعی روی آورده‌اند (مثلاً در برانت، ۱۳۸۳ نمونه‌های زیادی می‌یابید). در عین حال، قابل یادآوری است که سوسیالیست‌ها و اقتصاددانان صاحب گرایش سوسیالیستی و چپ همیشه طرفدار انواع متفاوت راه و روش‌های انباست سرمایه توأم با توسعه اجتماعی بوده‌اند. آنها به طور کلی، در بیش از ۱۵۰ سال گذشته، عدالت اجتماعی را

۵.۱. دهک‌ها

هر دهک ۱۰ درصد از جامعه (و ۱۰ دهک عبارت از تمامی جامعه) است که از پایین‌ترین تا بالاترین مقدار از کل هزینه یا درآمد یا دارایی یا خدمات اجتماعی یا هر متغیر کمی قابل اندازه‌گیری دیگر را در اختیار دارند. دهک اول یعنی ۱۰ درصد دارندگان کمترین مقدار (فقیرترین) از کل کمیت موجود در جامعه. دهک دوم عبارت است از ۱۰ درصد دوم (از پایین به بالا) که مقادیر متعلق به آنها بیشتر از دهک اول و کمتر از دهک سوم است و الى آخر (همان). اگر مقدار کمیت متعلق به دهک‌های یک و دو و ... تا ده به ترتیب A_1, A_2, \dots, A_{10} باشد. در آن صورت:

$$A_1 < A_2 < \dots < A_{10}$$

و A_1 به ۱۰ درصد پایین، A_2 به ۱۰ درصد بالاتر و A_{10} به ۱۰ درصد بالاترین مقدار برآورد از کل کمیت در جامعه گفته می‌شود: $A_1 + A_2 + \dots + A_{10} = A$

۶. خانوار شهری و خانوار روستایی

به ترتیب، خانوارهای ساکن در مناطق تعریف شده به عنوان شهر (هر محل اجتماع که به موجب قانون دارای شهرداری است) و خانوارهای ساکن در مناطق تعریف شده به عنوان روستا (همان).

۷. سهم درآمد از محل‌های مختلف

سهمی از درآمد خانوار که از محل مزد و حقوق خصوصی، دولتی، مشاغل آزاد، مشاغل متفرقه و جز آن تأمین می‌شود (همان).

۲. رویکرد نظری: توزیع درآمد و توسعه

در میانه قرن گذشته، اقتصاددان متخصص توسعه، سایمون کوزنتس (Kuznets, 1955: 1-28)، نظریه معروف U شکل را مطرح کرد. به موجب این نظریه، توزیع درآمد تابع میزان توسعه است. در روند توسعه، میزان عدالت در توزیع درآمد ابتدا کاهش می‌یابد، سپس مدتی ثابت می‌ماند و پس از آن ارتقا می‌یابد. بنابراین، برای توسعه اجتماعی باید منتظر توسعه اقتصادی بود و بر آن مرکز شد. چنری و آهلووالیا (Chenery and Ahluwalia, 1974: ch. XI)، در دهه هفتاد قرن گذشته، نظریه دیگری را مطرح کردند: بهبود توزیع درآمد می‌تواند موجب جابه‌جایی‌های منابعی شود که از سوی لایه‌های بالایی مصرف می‌شود (یا حتی، به زعم نگارنده،

- ساخت داخل می شود. بنابر این تجربه ها، همه چیز در کشورهای مختلف بستگی به هدایت و سیاست گذاری تولید داخلی و واردات دارد.
- آتكینسن (Atkinson, 1994) در بررسی فراتحلیلی خود دریافته که بعيد است بتوان شواهد قطعی در مورد وجود رابطه بین سیاست های رفاهی و نرخ رشد اقتصادی استنتاج کرد.
 - فالر و همکارانش (بونولی و دیگران، ۱۳۸۰؛ فصل ۱) در بررسی پنج جامعه پیشرفته صنعتی (امریکا، بریتانیا، سوئد، آلمان و فرانسه) دریافتند که ضرورت های اقتصادی نمی تواند موجب تغییر سیاست های رفاهی شود.
 - نتایج مطالعات مقایسه ای بونولی و همکارانش (بونولی و دیگران، ۱۳۸۰؛ فصل ۱) در میان کشورهای دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، هند، نروژ، اسپانیا، سوئد، بریتانیا، امریکا و ژاپن نشان داده است که رابطه ای بین هزینه های عمومی یا هزینه های اجتماعی از یک سو و رشد اقتصادی از سوی دیگر وجود ندارد.
 - در مورد کشورهای فقیر، هجده کشور برای ارزیابی های ژرف از سوی برنامه عمران ملل متحد (گرنیزپان، ۱۳۸۲؛ ۳۱_۵) انتخاب شدند. این کشورها عبارت بودند از هند، لائوس، مالدیو و نیپال از آسیا؛ لبنان و فلسطین از خاورمیانه؛ آنگولا، مالی، موریتانی، لسوتو، سائوتومه، اوگاندا و زامبیا از افریقا؛ گواتمالا و اوروگوئه از امریکای لاتین؛ و بلغارستان، لتونی و تاجیکستان از اروپا و آسیای مرکزی. نتیجه گیری کلی ارزیابی را می توان در چهار محور خلاصه کرد: سیاست گذاری ها، سازمان ها، ظرفیت ها و کمک های خارجی. مبارزه با فقر مسئله ای به غایت سیاسی است. مسئله کاهش فقر را نمی توان جدا از حاکمیت دانست. فقر و حاکمیت دو روی یک سکه اند.
 - سازمان ها و مؤسسات می توانند نقش قاطعی در ترجمه معلومات سیاسی به راه و روش های عملیاتی ایفا کنند. وظیفه سنگینی متوجه بازیگران محلی و کارگزاری های توسعه است زیرا سازمان های اجتماعی ضعیف و سیال اند. کمک دهنده گان به رفع فقر باید استحکام نهادها (مؤسسات و سازمان ها) و تأثیر محافل سیاسی را بر سیاست گذاری ها

بخشی از فرایند تولید یا پیش زمینه آن یا دست کم ضرورتی برای ادامه حیات سالم اجتماعی می دانستند. به هر حال، خط فاصل اصلی بین این دیدگاه و دیدگاه های اصلاح گرایانه در متن نظام بازاری آن است که سوسياليست ها اعتقاد ندارند که باید منتظر دامنگیر شدن فقر (و در واقع آنچه اقتصاد دانان نظام بازاری به آن فقر ناگزیر می گویند) در نظام اجتماعی باشند و سپس برای رفع آن چاره اندیشی نظری، آن هم در متن شرایط فقرزا، انجام دهند. تجربه های کم رشدی و کم مصرفی ماندگار در شماری از کشورهای سوسياليستی سابق این اندیشه را به وجود آورد که سوسياليسم غیر دستوری، دموکراتیک و انسانی ابراز رشد اجتماعی و اقتصادی توأم است.

۳. وضعیت دیگر کشورها

- تجربه های اعمال سیاست تعديل ساختاری نشان می دهد که این سیاست فقط در شمار محدودی از کشورها (مانند کره و سنگاپور)، آن هم به دلیل ویژگی ها و تمرکز و توجه خاص سرمایه جهانی به آنها، از موفقیت نسبی و چندجانبه ای برخوردار بوده است (نک. استیگلیتز، ۱۳۸۳؛ جورج و دیگران، ۱۳۸۲). اما در اکثر موارد، توجه افراطی به رشد درآمد ملی موجب بدتر شدن توزیع درآمد و افزایش فقر و محرومیت شده است.
- تجربه های جهانی نشان می دهد که هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته، نظریه L شکل کوزنتس می تواند گاه درست و گاه نادرست باشد. نتیجه بیشتر بستگی به سیاست های به کار رفته در دوره های زمانی و شرایط جانبی اجتماعی دارد.
- از آنجا که مصرف تابع مثبت (ولی غیرخطی) درآمد در نظر گرفته می شود، انتظار آن بوده است که بهبود توزیع درآمد موجب افزایش مصرف لایه های متوسط و پایین جامعه شود و مصرف لایه های بالای نیز کم نشود، در نتیجه، پس اندازها و سرمایه گذاری کاهش یابد. گفته شده است که این فرایند برای توسعه و اشتغال مصیبت بار است. اما این مصیبت لزوماً در همه تجربه ها ثابت نشده است زیرا، در همان حال، افزایش مصرف موجب افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی و شمار زیادی از کالاهای مصرفی

(۱۳۷۸: ۱۲۸) پیش‌بینی شده بود:

به منظور هدفمند ساختن یارانه‌ها با جهت‌گیری افزایش سهم خانوارهای کم‌درآمد و حفظ یارانه خانوارهای با درآمد متوسط و حذف یارانه‌های خانوارهای با درآمد بالا، دولت مکلف است طی مدت ۲ سال از تاریخ تصویب این قانون، خانوارهای مقتضی دریافت یارانه را در گروههای خانوارهای کم‌درآمد، با درآمد متوسط و با درآمد بالا طبقه‌بندی کرده و با استفاده از نظام شناسایی خانوارهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط، تمهیدات لازم را برای افزایش یارانه‌های خانوارهای کم‌درآمد از طریق استفاده از روش‌های درآمد و حذف و انتقال یارانه خانوارهای با درآمد بالا فراهم کند.

در تبصره این ماده آمده بود که یارانه صرفاً به مصارف خانوار تعلق خواهد گرفت و اصناف و صنایع از شمول دریافت یارانه خارج خواهند شد. در ماده ۴۸ هم آمده بود که یارانه نهادهای کشاورزی حذف شود.

در برنامه چهارم، محور هشتم (ارتقای امنیت انسانی...)، عنوان چهارم (سیاست‌ها و اقدامات اجرایی)، زیرعنوان ۱-۴ (کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها)، بند ح (هدفمند کردن یارانه‌ها) آمده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴: ۲۰۸-۱۹۵):

- تهیه لایحه ایجاد حساب هدفمند کردن یارانه حامل‌های انرژی نزد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی؛
- اختصاص ۵۰ درصد از منابع حاصل از شفاف‌سازی یارانه حامل‌های انرژی به اجرای طرح‌های فقرزدایی؛
- تهیه لایحه مالیات ویژه رفاه اجتماعی.

اما به جای آنکه لایحه حداکثر تا پایان ۱۳۸۱ برای هدفمند کردن (و البته آزمایش و آزمون نظرسنجی علمی و عملی) تبدیل به قانون و برای اجرا ابلاغ شود، لایحه ساماندنهی اقتصادی و هدفمند کردن یارانه‌ها در آخرین روزهای سال ۱۳۸۸ به تصویب رسید که دنیایی از ابهام و مناقشه را نیز در پی داشت و دارد. دولت خواهان اجرای سریع‌تر و سنگین‌تر لایحه و ایجاد چهل هزار میلیارد تومان صرفه‌جویی (از کل صد هزار میلیارد تومان صرفه‌جویی پیش‌بینی شده) در سال نخست بود و مجلس خواستار تدریجی تر

مورد توجه بیشتری قرار دهد.

- کارگزاری‌های توسعه ناچار باید برنامه‌های ویژه‌ای نیز برای توسعهٔ ظرفیت‌ها داشته باشند تا بتوانند به وسیلهٔ آنها ضعف‌ها و شکاف‌های موجود در نهادهای کشور مورد نظر را برطرف سازند.

- توانایی سازمان‌های کمک‌دهنده در به کرسی نشاندن سیاست‌های ضد فقر منوط به مناسب بودن و درستی تحلیل‌ها و توصیه‌های ارائه شده نیست. دانش و تجربه نیز تا حد معینی ممکن است تحول‌آفرین باشد. نهادینه ساختن دانش‌ها و گنجاندن آنها در فرایند سیاست‌گذاری اهمیت اساسی دارد. بنابراین، به موازات داده‌های سیاسی سطح بالا، فرایندهای مشورتی درون‌سیستمی نیز برای ایجاد و تضمین تأثیرات سیاسی و احساس تعلق درون‌گروهی مورد نیاز خواهد بود. به دلیل بار سیاسی فعالیت فقرزدایی، سازمان چندملیتی، به ویژه وابسته به سازمان ملل متحد، عمولاً موقیت بیشتری نسبت به سازمان‌های کمک‌دهندهٔ تک‌ملیتی دارد.

• به هر حال، تجربه‌های زیادی بر نقش مؤثر و شرایط این نقش برای بازیگر توانا در مبارزه با فقر تأکید دارند. این نتیجه‌گیری و تجربه درست است، اما بنا بر تجربه‌های همهٔ جهان اساسی نیست. بر اثر توسعهٔ سیاست‌هایی که دست قدرت‌های اقتصادی و بازار را به امید رشد و توسعه باز می‌گذارد، فقر خانوار بیش از حد پیش‌بینی افزایش یافته است. اقتصاد مردم‌سالار به معنای جهت‌گیری‌های اساسی انبابت به نفع عدالت اجتماعی است که خود اصلی‌ترین و اساسی‌ترین بخش مبارزه با فقر به شمار می‌آید.

۴. وضعیت در ایران

۴.۱. سیاست‌ها و برنامه‌ها

برنامه سوم جمهوری اسلامی ایران فاصله آغاز ۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳ و برنامه چهارم فاصله آغاز ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۸۸ را دربرمی‌گرفتند. در این قسمت از بررسی، این دو برنامه را مد نظر خواهیم داشت. فصل پنجم برنامه سوم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها اختصاص دارد. در ماده ۴۷ این فصل (سازمان برنامه و بودجه،

جدول ۱ نتایج مطالعه بین استانی هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی ناخالص (یعنی وقتی فروش موجودی‌های منزل از آن کسر نشده است) را در سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد.^۲

- مقایسه استانی نشان می‌دهد که نسبت استان تهران به متوسط برابر با ۱/۲۸ (بیشترین) و نسبت استان سیستان و بلوچستان برابر با ۰/۵۹ (کمترین) است. اما نسبت کم‌هزینه‌ترین استان (سیستان و بلوچستان) به پرهزینه‌ترین استان (تهران) عبارت است از ۰/۴۶؛ به عبارت دیگر، خانوار شهری استان سیستان و بلوچستان کمتر از نیمی از هزینه خانوار شهری استان تهران را در سال هزینه می‌کند. بخشی از این تفاوت به هزینه مسکن مربوط می‌شود، اما بخشی از آن هم نشان‌دهنده ترکیب فقر و نابرابری است. در استان سیستان و بلوچستان، از ۶۸۰ خانوار نمونه، تعداد ۲۰۳ خانوار (۰ درصد) هزینه‌ای کمتر از ۲۰۰ هزار تومان در ماه و تعداد ۱۶۳ خانوار (۲۴ درصد) درآمدی کمتر از ۲۰۰ هزار تومان در ماه داشته‌اند. برای استان تهران، این ارقام به ترتیب عبارت بود از ۳ و ۲/۵ درصد.

این در حالی است که نرخ مشارکت و نرخ بیکاری (یعنی

شدن و اجرای سبک‌تر آن با ایجاد بیست هزار میلیارد تومان صرفه جویی و نیز نظارت بر منابع آن، نهایتاً کار به چندین کدخدامنشی و مصالحه رسید، اما آنچه به تصویب رسید، در مجموع، بیشتر جانب نظر دولت را دارد و، به هر حال، جای مناقشه و ابهام فراوان به جای گذاشته است. به نظر می‌رسد که این قانون از میانه سال ۱۳۸۹ اجرا خواهد شد و رقم صرفه جویی سالانه آن به حدود سی و پنج هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

آنچه تصویب شد هیچ رابطه علمی و محسوسی با مصوبه دولت در سند تلفیقی برنامه چهارم نداشت و قرباتی هم با برنامه چهارم مصوب پیدا نکرد. دولت عملاً بی‌اعتنایی خود را به برنامه چهارم، که محصول کار دولت قبلی بود، نشان داد و مجلس نیز در صدد نجات برنامه چهارم برنيامد. در این میان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیز عملاً از کار افتاد.

آمارهای مرکز آمار ایران، که با استفاده از پرسشنامه ویژه خانوار تهیه شده بود، بنا به نظر مدیر این مرکز، تا ۳۵ درصد اشتباه داشت. این پرسشنامه‌ها با عدم همکاری خانوارها روبرو شد و دولت از استناد به آن صرف نظر کرده است.

۲.۴. شاخص‌ها

به طور کلی، شاخص‌های مربوط به درآمد و توزیع درآمد خانوار در ایران به شدت نارسا و غیردقیق هستند. در آمارگیری ۱۳۸۶، که از آغاز آمارگیری هزینه و درآمد خانوار شهری در سال ۱۳۴۷ تاکنون بیشترین حجم نمونه و دقت و کمترین خطای نسبی را داشته است، تنها ۱۵۰۲۰ خانوار شهری نمونه مورد ارزیابی آماری قرار گرفتند. این به معنای ۱/۲ خانوار در هر ۱۰۰۰ خانوار شهری (از مجموع ۱۲/۴۱ میلیون خانوار شهری) است. به این ترتیب، اندازه‌گیری دقیق در محله‌ها و بافت‌های محروم و فقیرنشین و فرسوده ناممکن می‌شود زیرا در محله‌ای بزرگ ۱ یا ۲ خانوار در نمونه قرار می‌گیرند، در حالی که فقر و نابرابری عمدتاً مسئله همین گروه‌های اجتماعی است.^۱

۱. فرمول مورد استفاده برای نمونه‌گیری عبارت بوده است از:

$$n_{ch} = \frac{1}{m} \times \left[\frac{z_{0.025} \times S_{ch}}{\beta_{ch} \times \bar{X}_{ch}} \right] \times Deff$$
 که در آن:

$n = \text{تعداد نمونه}$
 $c = \text{علامت صفت مورد نظر (در اینجا هزینه‌های خانوار، هزینه‌های خوراکی و هزینه‌های غیرخوراکی)}$
 $h = \text{علامت استان (۳۰ استان)}$
 $m = \text{درصد کوچک کردن واحدهای نمونه در مرحله اول}$
 $z_{0.025} = \text{چندک ۰/۹۷۵ ام توزیع نرمال}$
 $S_{ch} = \text{برآورد انحراف میانگین صفت مورد نظر در مناطق شهری براساس آخرین نتایج استخراج شده طرح}$
 $\beta_{ch} = \text{خطای نسبی برای برآورد میانگین صفت } c \text{ در مناطق شهری استان } h$
 $\bar{X}_{ch} = \text{برآورد میانگین صفت } h \text{ در مناطق شهری استان } h \text{ (براساس آخرین نتایج استخراج شده طرح)}$
 $Deff = \text{ضریبی برای اثر طرح}$
 خطای مورد نظر کمتر از ۱۰٪ است. روش طبقه‌بندی کالاها و خدمات مصرفی (Classification of Individual Consumption by Purpose) روش کویکپ (Quick) است. بالاترین حجم نمونه مربوط به استان تهران (۱۷۰۰ خانوار) است و کمترین آن مربوط به استان قم (۳۳۰ خانوار).
 ۲. مقایسه استانی را با رابطه زیر انجام می‌دهیم:

$$r = \frac{C_{ih}}{C_i}$$

که در آن r نسبت مورد مطالعه، C_{ih} هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی، جمع در استان h ، و \bar{C}_i متوسط همان نوع هزینه در کل کشور است.

الگوهای آماری و شاخص‌های مورد استفاده به قرار زیر هستند:

- سهم متوسط هزینه مسکن در مناطق شهری در سال ۱۳۸۰ معادل ۳۰ درصد و در سال ۱۳۸۶ نیز معادل همان ۳۰ درصد بوده است. اما سهم هزینه مسکن دهک یکم در سال ۱۳۸۰ معادل ۴۵ درصد و در سال ۱۳۸۶ معادل ۴۴ درصد بوده است. بنابراین، فشار بار مسکن، به زیان مصرف اساسی خانوارهای فقیر، بالاتر از سطح متوسط بوده و بالا هم مانده است. در مناطق روستایی، سهم متوسط هزینه مسکن در سال ۱۳۸۰ معادل ۱۷ درصد و در سال ۱۳۸۶ معادل ۱۵/۲ درصد بوده است. به هر حال، در این مناطق نیز فشار هزینه مسکن به زیان افشار پایین است (البته کمتر از مناطق شهری).
- فشار انواع هزینه‌ها موجب کاهش سهم هزینه خوراکی، هم به طور متوسط و هم برای لایه‌های پایینی جامعه، شده است. پیامد این تغییر چیزی نیست جز فشار محرومیت غذایی به ویژه بر کودکان و زنان.
- درست است که مصرف مواد غذایی دهک یکم در فاصله مورد بحث ۲/۶ برابر شده است، اما برای دهک دهم نیز ۲/۵۵ برابر افزایش پیدا کرده است.
- نکته قابل توجه آن است که اگر به جای خانوار، دریافتی متوسط هر عضو خانوار را در نظر بگیریم، نسبت افزایش دهک یکم به دهک دهم کمتر از محاسبه مربوط به خانوار می‌شود (دهک اول ۴/۱۵ برابر و دهک دهم ۴/۳۱ برابر). به این ترتیب باید توزیع درآمد بر حسب افراد ناعادلانه‌تر از توزیع بر حسب خانوار باشد.
- بحث دیگر آنکه شاخص کالاهای خوراکی و مسکن رشد بیشتری از کالاهای متفرقه و شاخص‌های کل داشته است. بنابراین، فشار هزینه‌های زندگی بیشتر متوجه افشار پایین جامعه بوده است.

جدول ۴ میزان افزایش هزینه‌های خانوار شهری را در فاصله ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ نشان می‌دهد. در این جدول، همچنین شاخص چند طبقه از کالاهای را آورده‌ایم تا واقعیت تحول در بودجه خانوار را

نسبت جمعیت فعال به جمعیت در سن کار و نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال) در استان سیستان و بلوچستان، به ترتیب، ۳۵/۳ و ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۶ و در استان تهران، به ترتیب، ۳۹/۳ و ۱۱/۳ درصد گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). بنابراین به طور ضمنی می‌توان نتیجه گرفت که، در یک مقایسه ملی، عدم مشارکت زنان هم عامل فقر و هم ناشی از فقر محسوب می‌شود (نرخ بیکاری افراد ۱۵-۲۴ سال در استان سیستان و بلوچستان ۲۵/۸ درصد و در استان تهران ۲۲/۴ درصد بوده است).

جدول‌های ۲ و ۳ هزینه‌های خانوار شهری و روستایی را در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۶ نشان می‌دهند.

- می‌بینیم که هزینه متوسط خانوار شهری از ۲۹/۵ میلیون ریال در سال ۱۳۸۰ به ۸۴/۱ میلیون ریال در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است (۲/۸۵ برابر). این ارقام برای مناطق روستایی، به ترتیب، ۱۷/۶ و ۵۰ میلیون ریال بوده است (۲/۸۴ برابر). بنابراین (و براساس استنتاج‌های آماری خارج از این متن)، از حیث جغرافیایی (حتی در شهرهای بزرگ)، شکاف فقر هرگز نه تنها کمتر نشده، که بیشتر هم شده است.
- در مناطق شهری، نسبت درآمد دهک دهم به دهک اول از ۱۴/۶ برابر به ۱۴/۴ برابر کاهش یافته است که، با توجه به حجم اندک و تحول ناکافی آماری، نمی‌توان آن را کاهشی جدی به حساب آورد. در این حال، این نسبت در مناطق روستایی از ۱۸/۳ به ۱۶/۸ کاهش یافته است، یعنی با معیار نسبت دو دهک باید نتیجه بگیریم که در روستاهای توزیع درآمد بهبود نسبی بیشتری یافته است که البته عموماً ناشی از خروج افشار داران از روستا و سکونت در شهر با مجموع درآمدی بیشتر از خروج افشار نادر و نیروی کار ناماهر بوده است.
- در مقایسه استانی می‌بینیم که، در ۲۳ استان از ۳۰ استان کشور، هزینه سالانه خانوار کمتر از متوسط کل کشور به دست آمده است. در ۴ استان هزینه‌ها در سطح متوسط و فقط در ۳ استان گیلان و مازندران و تهران بالاتر از متوسط بوده است. بالاترین و پایین‌ترین استان‌ها به لحاظ هزینه سالانه خانوار به ترتیب تهران و سیستان و بلوچستان (۵ درصد کمتر از متوسط) بوده‌اند.

نشان دهیم. در این جدول می بینیم که:

در جدول ۶، برآورد مصرف تقریبی یک خانوار چهارنفره را، به شرط آنکه این مصرف چیزی در حدود حداقل باشد، می بینیم. براساس این جدول، هزینه حداقلی خانوار به ۸۵۴ هزار تومان در سال ۱۳۸۸ بالغ می شود. در حالی که بنا بر جدول ۴، هزینه متوسط خانوار در سال ۱۳۸۸، سالانه معادل ۱۱۷/۷ میلیون ریال و ماهانه ۳/۸۷ در حدود ۹۸۱ هزار تومان است. البته این رقم برای خانوار ۳/۸۷ نفری است که معادل آن برای خانوار چهارنفره عبارت از ۱۰۱۴ هزار تومان خواهد شد که حدود ۱۹ درصد بیشتر از رقم مصرف حداقلی است. بنابراین، با توجه به اینکه در حدود ۲۰ تا ۲۰ درصد هزینه ها را باید بابت هزینه های پیش بینی نشده خانوار منظور کرد، هزینه های محاسبه شده براساس مصرف حداقلی معادل متوسط هزینه آمارگیری شده خانوار خواهد بود. اما دیده ایم که در حدود ۷۸ درصد از خانوارها هزینه ای کمتر از هزینه متوسط شهری دارند. نتیجه آنکه سه چهارم خانوارهای شهری مصرفی کمتر از مصرف حداقلی دارند که بخش مهمی (در حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد) آنها (رئیس دانا و دیگران، ۱۳۸۰) زیر خط فقر مطلق قرار دارند.

- هزینه متوسط خانوار، در فاصله ۸ سال، معادل ۴ برابر افزایش داشته است؛
- هزینه دهک اول ۳/۹ برابر افزایش یافته است؛
- هزینه دهک دهم ۳/۶ برابر افزایش یافته است؛
- آمارهای گذشته نیز نشان می دهند که رشد هزینه دهک دهم همیشه کمتر از دهک یکم بوده است. بنابراین نسبت دهک دهم به دهک اول، که به آن شاخص نابرابری چند که های می گویند، باید رو به کاهش باشد. این امر مؤید این آموزه های ضمنی است که اگر صبر کنیم، خود به خود با روندهای موجود، عدالت توزیعی برقرار خواهد شد. اما واقعیت آن است که شمار افراد و خانوارهای فقیر (زیر خط فقر مطلق) و زیر خط فقر نسبی در جامعه افزایش یافته است. بنابراین روش نابرابر، که هیچ گونه حساسیتی نسبت به تغییر متناسب هم افراد در همه گروه های درآمدی ندارد، شاخص مناسبی برای بیان فقر خانوار در ایران نیست.

جدول ۱. متوسط هزینه های خوراکی و غیرخوراکی سالانه یک خانوار شهری بر حسب گروه های هزینه سالانه و استان (۱۳۸۶)

استان	کل	کمتر	۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال و	۱۲,۰۰۰,۰۰۱ تا ۱۶,۰۰۰,۰۰۱ ریال	۱۹,۵۰۰,۰۰۱ تا ۲۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال
کل کشور	۸۱۲۸۹۱۳۹	۵۵۳۴۶۵۶	۱۴۴۴۷۱۳۰	۱۸۰۹۸۹۷۳	۲۱۸۳۴۷۱۵
آذربایجان شرقی	۶۶۱۵۰۲۰۱	۷۸۴۳۰۱۳	۱۴۸۸۴۱۱۴	۱۸۱۰۵۲۴۰	۲۱۸۲۹۱۶۵
آذربایجان غربی	۸۰۸۰۵۶۱۶	۴۸۰۷۲۸۲	۱۴۲۱۱۸۹۲	۱۷۳۶۰۲۰۱	۲۱۹۱۹۹۴۰
اردبیل	۷۶۳۰۹۲۹۱	۵۰۰۷۱۹۲	۱۴۲۸۰۴۳۳	۱۷۷۵۸۴۸۶	۲۱۸۲۹۳۹۵
اصفهان	۸۱۷۲۵۵۲۱	۶۵۰۸۹۴۹	۱۴۱۹۸۴۹۰	۱۷۹۸۱۵۵۰	۲۲۶۷۵۹۵۰
ایلام	۷۸۹۳۷۹۰۴	۱۸۰۹۹۱۳	۱۳۷۶۸۰۰	۱۸۱۴۹۲۴۰	۲۰۶۴۵۳۵۰
بوشهر	۷۵۳۶۲۷۷۰	۱۰۲۱۴۷۵	۱۴۵۷۹۵۰۴	۱۸۳۶۷۸۹۵	۲۲۱۷۶۹۴۵
تهران	۱۰۵۳۶۶۹۳	۷۹۰۲۲۶۵	۱۴۳۵۲۲۲۷	۱۸۰۷۴۹۶۳	۲۱۷۵۰۹۹۷
چهارمحال و بختیاری	۶۲۱۸۲۶۵۸	۱۰۵۷۰۸۶	۱۴۵۶۰۳۵۳	۱۷۶۵۴۸۲۰	۲۱۳۲۲۵۷۶
خراسان جنوبی	۵۶۶۶۶۵۸۰	۶۵۳۶۸۶۷	۱۴۰۱۷۷۱۵	۱۷۹۶۵۸۲۵	۲۱۶۸۱۴۹۰
خراسان رضوی	۷۶۲۰۴۶۸۸	۵۹۲۵۳۱۵	۱۴۹۷۷۲۸۲	۱۸۰۹۲۰۹۱	۲۱۴۴۳۹۱۷
خراسان شمالی	۵۸۱۶۹۲۹۳	۶۲۴۰۶۱۸	۱۴۶۵۹۹۲۰	۱۸۰۴۷۹۲۸	۲۱۷۸۳۷۸۶
خوزستان	۶۲۴۷۹۹۷۶	۴۹۱۳۶۳۵	۱۴۳۷۰۳۱۷	۱۸۲۵۵۸۴۰	۲۱۹۵۲۲۸۷
زنجان	۷۱۱۳۲۷۳۸	۸۹۲۱۱۷۱	۱۴۵۴۶۳۷۰	۱۸۳۴۵۶۷۰	۲۱۹۸۴۰۶۷

گزارش وضعیت اجتماعی ایران

۲۱۹۹۹۱۶۹	۱۸۱۷۸۹۶۶	۱۴۴۱۷۶۰۴	۱۰۶۸۲۶۰۴	۵۶۰۲۷۲۵۲	سمنان
۲۱۶۵۷۱۳۱	۱۷۹۹۲۷۴۳	۱۴۴۲۹۰۶۳	۷۵۴۲۴۹۵	۴۹۰۳۸۱۶۰	سیستان و بلوچستان
۲۱۶۵۷۲۲۳	۱۸۴۰۷۶۸۳	۱۳۶۹۶۴۱۵	۲۵۸۳۱۴۹	۷۷۳۰۱۶۳۷	فارس
۲۱۹۸۴۲۸۴	۱۸۷۹۵۳۳۴	۱۴۳۱۶۸۶۰	۲۶۵۸۰۵۳۲۴	۸۲۶۲۷۱۹۹	قزوین
۲۲۱۴۷۶۷۱	۱۸۱۶۶۱۴۵	۱۴۰۲۲۵۹۵	۹۳۵۴۷۵۰	۵۰۳۱۱۱۰	قم
۲۲۳۴۹۷۶۷	۱۸۳۳۴۷۵۵	۱۳۲۰۲۸۹۰	۹۴۲۹۲۷۳	۵۶۳۲۰۹۲۸	کردستان
۲۱۸۴۲۶۳۷	۱۷۸۵۰۵۳۱۹	۱۴۳۸۰۳۲۶	۴۰۳۶۹۸۴	۵۹۲۶۴۴۷۱	کرمان
۲۱۲۴۰۳۶۳	۱۷۹۱۱۵۰۱	۱۳۴۴۲۱۴۰	۴۳۴۰۳۲۳	۶۹۹۵۸۶۹۱	کرمانشاه
۲۲۲۱۱۶۳۸	۱۸۲۰۴۲۱۷	۱۵۱۲۵۸۴۵	۱۰۵۶۵۸۰۵	۸۶۴۹۷۸۹۴	کهگیلویه و بویراحمد
۲۱۸۳۶۸۵۸	۱۷۸۲۳۰۴۱	۱۴۳۷۶۶۶۷	۲۷۷۰۸۲	۵۷۴۰۶۳۶۲	گلستان
۲۱۹۰۵۷۱۴	۱۸۰۲۷۷۴۲	۱۴۲۲۶۸۱۷	۴۰۵۲۱۸۷	۸۹۴۰۰۲۹۸	گیلان
۲۱۷۱۸۶۲۵	۱۸۳۹۲۴۲۵	۱۴۳۳۳۰۶۷	۷۷۶۹۶۰۰	۶۴۳۰۲۲۵۸	لرستان
۲۲۲۰۰۵۳۰	۱۸۰۰۲۶۹۴	۱۵۰۶۰۱۷۲	۱۱۶۶۱۱۵	۸۹۷۷۷۳۶۵	مازندران
۲۲۳۱۵۳۶۲	۱۸۵۱۱۳۶۷	۱۴۰۰۸۶۰۱	۷۸۶۲۵۶۲	۷۴۴۲۳۹۵۳	مرکزی
۲۱۸۸۵۸۲۱	۱۷۸۶۳۳۶۲	۱۴۴۸۳۲۷۱	۶۱۴۱۰۵۲	۸۹۳۶۸۳۶۳	هرمزگان
۲۱۲۸۴۲۸۲	۱۸۲۹۶۰۰۸	۱۴۹۸۶۱۴۷	۷۶۶۴۲۶۴	۶۴۲۸۵۶۱۰	همدان
۲۱۸۵۱۶۸۶	۱۸۱۳۰۴۷۳	۱۴۷۹۲۶۹۸	۶۲۹۶۳۶۲	۶۶۱۵۲۵۴۰	یزد

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷

جدول ۱.۰ (ادامه)

استان	۲۴,۰۰۰,۰۰۱	تا ۳۰,۰۰۰,۰۰۱	۴۵,۰۰۰,۰۰۱	۶۰,۰۰۰,۰۰۱	۷۵,۰۰۰,۰۰۱	۹۰,۰۰۰,۰۰۱
کل کشور	۲۷۱۴۱۹۸۰	۳۷۵۳۱۷۷۷	۵۲۲۰۰۳۹۲	۶۷۱۶۵۳۹۹	۸۲۱۳۴۳۹۷	۱۵۹۳۷۲۲۳۲
آذربایجان شرقی	۲۷۴۹۳۸۸۳	۳۶۶۰۴۲۲۲	۵۲۱۸۹۳۳۴	۶۷۹۲۶۱۹۳	۸۲۱۶۶۷۸۶	۱۵۰۵۵۰۲۹۳
آذربایجان غربی	۲۶۶۲۲۶۴۹	۳۷۱۷۷۵۳۱	۵۱۸۴۶۰۲۰	۶۷۴۵۰۲۶۹	۸۲۳۴۶۹۲۸	۱۴۹۸۰۵۲۲۰۴
اردبیل	۲۷۰۲۳۱۳۸	۳۷۶۱۸۲۹۷	۵۲۱۷۰۱۹۷	۶۷۲۷۳۶۰۴	۸۰۸۰۸۵۷۲	۱۳۷۵۰۱۷۹۴
اصفهان	۲۷۱۱۸۴۷۸	۳۷۷۱۹۸۹۰	۵۳۴۱۹۵۷۷	۶۶۹۵۱۶۹۱	۸۲۶۳۹۸۲۶	۱۵۶۷۲۳۹۶۲
ایلام	۲۶۹۸۷۶۹۷	۳۸۱۶۰۶۹۷	۵۲۶۴۶۷۴۶	۶۶۰۵۰۳۳۵	۸۲۴۰۷۱۶۶	۱۳۴۸۶۴۹۴۰
بوشهر	۲۶۸۶۱۸۳۱	۳۷۱۸۸۵۷	۵۱۷۰۹۱۱۵	۶۷۲۲۶۳۶۰	۸۲۳۷۵۲۵۳	۱۴۱۹۴۶۲۳۳
تهران	۲۷۳۱۰۹۳۰	۳۸۲۴۲۳۱۹	۵۲۰۶۸۱۲۱	۶۷۴۶۰۴۶۹	۸۲۲۸۰۲۴۷	۱۷۰۵۲۶۴۳۲
چهارمحال و بختیاری	۲۷۳۵۹۹۶۵	۳۷۹۳۱۸۷۵	۵۲۰۲۸۱۸۰	۶۷۶۴۹۱۳۷	۸۱۱۷۷۲۶۲۲	۱۲۴۵۷۸۹۴۵
خراسان جنوبی	۲۷۱۴۲۲۷۶	۳۶۷۱۶۴۳۸	۵۰۸۵۱۰۵۰۱	۶۷۲۹۰۶۶۵	۸۰۳۰۸۲۵۹۴	۱۴۱۹۹۹۳۵۳
خراسان رضوی	۲۶۶۸۸۴۰۵	۳۷۲۱۷۸۵۸	۵۱۶۸۷۰۴۷	۶۶۹۶۰۳۳۹	۸۱۱۷۷۸۷۲۳	۱۵۹۵۱۸۳۵۹
خراسان شمالی	۲۷۳۳۷۶۵۰	۳۶۴۴۳۰۱۱	۵۲۴۱۰۵۳۲۴	۶۷۰۸۸۳۲۲	۸۰۳۹۹۱۶۳۴	۱۴۷۸۱۴۹۴۲۱
خوزستان	۲۷۳۵۵۴۳۶	۳۷۶۵۷۲۶۷	۵۲۷۹۴۵۰۹	۶۷۲۷۶۹۸۱	۸۱۱۲۸۲۹۶	۱۳۲۷۲۴۹۲۶
زنجان	۲۷۰۶۶۴۷۹	۳۷۱۱۰۵۵۶	۵۱۵۷۰۱۱۵	۶۷۲۵۶۰۲۵	۸۰۹۰۹۱۵۸۲	۱۴۳۰۰۷۲۲۹
سمنان	۲۷۶۹۱۷۶۰	۳۷۴۴۴۴۶۷	۵۲۰۷۰۴۷۹	۶۶۱۰۴۲۰۳	۸۲۱۳۲۹۰۹	۱۳۳۲۷۷۹۳

۱۴۱۸۳۲۰۲	۸۱۸۱۵۱۵۸	۶۶۸۱۴۸۳۴	۵۱۴۷۴۸۸۱	۳۶۷۰۴۲۱۷	۲۷۱۰۷۴۲۱	سیستان و بلوچستان
۱۶۲۴۲۶۵۵۰	۸۳۶۸۰۳۲۹	۶۶۶۳۸۲۳۳	۵۱۶۰۹۴۷۶	۳۷۸۲۲۳۵۱	۲۷۳۲۶۱۰۴	فارس
۱۳۹۴۶۱۹۴۸	۸۲۰۶۲۵۳۲	۶۷۶۷۳۲۹۳	۵۲۶۳۰۵۱۸	۳۷۶۱۶۶۲۰	۲۷۴۲۱۱۷۶	قزوین
۱۳۰۳۲۷۶۰۶	۸۲۳۶۴۸۶۴	۶۶۹۵۳۳۸۰	۵۲۳۵۷۲۱۳	۳۶۹۳۴۱۱۷	۲۷۰۲۶۱۲۴	قم
۱۲۴۸۸۳۳۶۷	۸۲۰۷۲۷۷۷	۶۷۶۴۰۶۴۴	۵۲۱۳۰۶۵۸	۳۷۳۶۰۰۵۷	۲۷۱۷۱۰۳۹	کردستان
۱۳۷۶۴۸۵۱۵	۸۲۸۵۷۰۱۷	۶۶۹۸۴۷۸۳	۵۱۷۳۴۵۱۷	۳۷۵۷۸۲۲۸	۲۶۶۷۳۶۷۷	کرمان
۱۳۵۹۸۵۸۸۷	۸۱۴۷۶۴۰۵	۶۷۲۱۸۹۰۴	۵۲۷۴۶۹۸۳	۳۷۹۵۶۷۱۵	۲۷۳۲۱۵۹۴	کرمانشاه
۱۵۴۴۷۷۶۲۳	۸۲۱۱۹۱۲۱۹	۶۷۰۴۱۴۸۰	۵۲۹۱۳۰۲۱	۳۶۹۱۰۷۵۰	۲۷۰۶۳۲۰۰	کهگیلویه و بویراحمد
۱۴۰۷۰۴۵۷۴	۸۲۸۵۰۹۴۴	۶۶۶۰۷۰۸۲	۵۲۲۵۲۷۳۱	۳۷۰۱۷۲۹۸	۲۶۹۱۷۷۷۹	گلستان
۱۷۹۵۷۸۱۵۳	۸۱۹۵۴۶۶۶	۶۷۱۵۶۰۳۹	۵۲۴۵۲۲۳۱	۳۶۷۹۲۱۷۶	۲۶۹۱۰۹۷۷	گیلان
۱۲۷۵۶۱۸۹۵	۸۰۴۵۸۱۹۳	۶۷۲۵۶۲۵۸	۵۲۳۰۹۵۷۸	۳۷۹۲۲۹۳۶	۲۶۶۵۰۴۴۵	لرستان
۱۶۸۶۴۸۵۰۸	۸۱۱۵۳۲۴۰	۶۶۶۰۴۱۴۱	۵۲۱۲۸۶۲۷	۳۷۰۲۷۵۷۳	۲۷۱۴۳۳۴۹	مازندران
۱۴۶۲۱۵۸۱۰	۸۱۵۲۹۳۶۹	۶۶۰۰۳۶۸۵	۵۲۵۴۶۷۵۱	۳۷۲۹۶۱۳۴	۲۷۸۱۹۷۶۶	مرکزی
۱۶۰۱۲۳۵۸۷	۸۲۲۳۲۹۲۶	۶۷۰۵۳۴۳۱	۵۱۷۸۳۸۵۱	۳۷۸۰۷۵۱۴	۲۶۸۴۱۴۸۶	هرمزگان
۱۴۷۹۳۴۶۱۷	۸۱۸۵۹۶۶۶	۶۶۳۱۵۹۷۰	۵۱۱۵۳۴۵۹	۳۷۱۰۵۲۶۶	۲۷۱۳۹۳۱۰	همدان
۱۶۰۶۰۸۴۵۶	۸۲۰۳۵۸۴۱	۶۶۶۶۰۵۸۳	۵۲۳۶۸۱۶۹	۳۷۵۱۱۸۳۵	۲۷۱۹۲۴۶۱	یزد

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷

جدول ۲. هزینه‌های ناخالص خانوار شهری (۱۳۸۰ و ۱۳۸۶) (میلیون ریال)

۱۳۸۶			۱۳۸۰			اقلام هزینه
دهک دهم	دهک اول	متوسط	دهک دهم	دهک اول	متوسط	
۴/۰۹	۲/۷	۳/۸۷	۴/۸۸	۲/۹۱	۴/۴۷	بعد خانوار
۲۰۱/۶	۱۰/۹	۶۶/۹	۷۶/۲	۳/۷	۲۲/۳	جمع غیرخوارکی
۱۳	۰/۴	۴/۵	۵/۵	۰/۱	۱/۹	پوشاک و کفش
۵۷/۷	۷/۱	۲۵/۲	۲۱/۵	۲/۶	۸/۹	مسکن
۱۲/۴	۰/۵	۴/۲	۵/۶	۰/۲	۱/۷	آثاث منزل
۲۶/۲	۱	۶/۸	۸/۱	۰/۲	۲	بهداشت و درمان
۵۹/۷	۱	۱۴/۱	۲۳/۶	۰/۲	۴/۱	حمل و نقل و ارتباطات
۸/۹	۰/۲	۲/۸	۳/۲	۰/۶	۱	تفریح و فرهنگ و ورزش
۲۳/۷	۰/۷	۸/۳	۸/۶	۰/۲	۲/۶	متفرقه
۳۴/۴	۵/۵	۱۸/۲	۱۳/۵	۲/۱	۷/۲	جمع خوارکی
۵/۳	۱	۳	۲/۴	۴	۱/۴	آرد و نان و غلات
۸/۸	۱	۴/۵	۳/۷	۰/۵	۱/۸	گوشت
۲/۳	۰/۷	۲	۱/۳	۰/۳	۰/۸	لبنیات و تخم مرغ
۱	۰/۳	۰/۷	۰/۴	۰/۱	۰/۳	روغن
۶/۲	۱/۱	۳/۵	۲	۰/۴	۱	میوه و سبزی
۱/۹	۰/۲	۱	۰/۷	۰/۰۸	۰/۳	خشکبار و جویبات
۲/۱	۰/۴	۱/۲	۱/۱	۰/۲	۰/۶	قند و چای و شیرینی
۰/۹	۰/۲	۰/۶	۰/۴	۰/۰۷	۰/۲	ادویه
۴/۸	۰/۴	۱/۸	۱/۵	۰/۱۴	۰/۶	نوشابه
۲۳۶	۱۶/۴	۸۴/۱	۸۴/۴	۵/۸	۲۹/۵	جمع کل

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱-۱۳۸۷

جدول ۳. هزینه‌های ناخالص خانوار روستایی (۱۳۸۰ و ۱۳۸۶) (میلیون ریال)

۱۳۸۶			۱۳۸۰			اقلام هزینه
دهک دهم	دهک اول	متوسط	دهک دهم	دهک اول	متوسط	
۵/۳۹	۲/۴۹	۴/۴۹	۶/۴۲	۲/۵۸	۵/۱۸	بعد خانوار
۱۰۵/۵	۴/۶	۳۱/۸	۳۶/۱	۱/۵	۱۰/۵	جمع غیرخوارکی
۱۲/۲	۰/۲	۳/۷	۵/۸	۰/۰۶	۱/۶	پوشاک و کفش
۱۴/۳	۲/۴	۷/۶	۵/۸	۰/۹	۳	مسکن
۱۲/۴	۰/۳	۳/۷	۵	۰/۱۴	۱/۴	اثاث منزل
۱۳/۳	۰/۷	۳/۸	۴/۳	۰/۱۶	۱/۱	بهداشت و درمان
۳۲	۰/۶	۷/۲	۷/۳	۰/۱۳	۱/۵	حمل و نقل و ارتباطات
۴/۱	۰/۵	۱	۱/۴	۰/۰۲	۰/۴	تفریح و فرهنگ و ورزش
۱۷	۰/۳	۴/۸	۶/۶	۰/۰۹	۱/۶	متفرقه
۴۲/۱	۴/۲	۱۸/۲	۱۷	۱/۴	۷/۱	جمع خوارکی
۹/۳	۰/۹	۳/۸	۵/۲	۰/۳	۱/۷	آرد و نان و غلات
۱۱	۰/۸	۴/۴	۳/۸	۰/۳	۱/۶	گوشت
۳/۵	۰/۶	۱/۹	۱/۵	۰/۲	۰/۸	لبنیات و تخم مرغ
۱/۵	۰/۲	۰/۹	۰/۷	۰/۱	۰/۴	روغن
۶/۷	۰/۷	۳	۲/۱	۰/۲	۱	میوه و سبزی
۲/۳	۰/۲	۱	۰/۸	۰/۰۵	۰/۳	خشکبار و حبوبات
۲/۹	۰/۴	۱/۴	۱/۴	۰/۲	۰/۷	قند و چای و شیرینی
۱/۲	۰/۲	۰/۶	۰/۴	۰/۰۵	۰/۲	ادویه
۳/۵	۰/۲	۱/۳	۱	۰/۰۶	۰/۴	نوشابه
۱۴۷/۶	۸/۸	۵۰	۵۳/۱	۲/۹	۱۷/۶	جمع کل

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱-۱۳۸۷

* سال ۱۳۸۸ معادل سال ۱۳۸۶ در نظر گرفته شده است منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰

جدول ۴. نسبت افزایش شاخص قیمت و هزینه‌های خانوار شهری

(میلیون ریال) (۱۳۸۰ و ۱۳۸۸)

جدول ۵. درآمد متوسط سالانه خانوار شهری و روستایی (۱۳۸۰ و ۱۳۸۸) (میلیون ریال و درصد)

افزایش (چند برابر)	۱۳۸۸ (برآورد نگارنده)	۱۳۸۰	موضوع
۳	۷۸	۲۵/۸	درآمد شهری
-	۳۳/۹	۳۴	سهم مزد و حقوق
-	۲۵	۲۷/۸	سهم مشاغل آزاد
-	۴۱	۳۸/۲	سهم متفرقه
۳/۱	۴۷/۱	۱۵/۲	درآمد روستایی
-	۳۰/۹	۲۹/۴	سهم مزد و حقوق
-	۴۳	۴۸/۳	سهم مشاغل آزاد
-	۲۱	۲۲/۳	سهم متفرقه
-	۸۸	۸۰/۳	نسبت درآمد به هزینه خالص شهری
-	۹۱/۹	۸۴/۴	نسبت درآمد به هزینه خالص روستایی

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰

افزایش (چند برابر)	۱۳۸۸ (برآورد نگارنده)	۱۳۸۰	موضوع
۴	۱۱۷/۷	۲۹/۵	هزینه متوسط
۳/۹	۲۲/۹	۵/۸	هزینه دهک اول
۳/۶	۳۰۶/۹	۸۴/۸	هزینه دهک دهم
۳/۲	۳۲۰	۱۰۰	شاخص کل قیمت کالاهای مصرفی
۳/۵	۳۵۱	۱۰۰	شاخص کل قیمت کالاهای خوارکی
۳/۷	۳۶۹	۱۰۰	شاخص کل قیمت کالاهای مسکن
۲/۸	۲۸۰	۱۰۰	شاخص کل کالاهای متفرقه
۰/۸۷	۳/۸۷	۴/۴۷	بعد خانوار متوسط*
۰/۹۵	۲/۷۷	۲/۹۱	بعد خانوار دهک اول*
۰/۸۴	۴/۰۹	۴/۸۸	بعد خانوار دهک دهم*
۴/۶۱	۳/۰۴	۰/۶۶	هزینه سرانه متوسط
۴/۵۱	۰/۸۳	۰/۲	هزینه سرانه دهک یکم
۴/۳۱	۷/۵	۱/۷۴	هزینه سرانه دهک دهم

جدول ۶. مصرف تقریباً حداقلی ماهانه مواد غذایی خانوار چهارنفره در شهر تهران (۱۳۸۸) (برآورد نگارنده)

هزینه ماهانه (ریال)	بها (ریال)	مقدار مصرف ماهانه	نوع مصرف
۷۵۶,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	هر کیلو ۵/۴ کیلوگرم	گوشت
۴۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۱ عدد	گوشت سفید (مرغ)
۲۷۰,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱۳۵ عدد	نان (معادل برابری)
۱۲۶,۰۰۰	۱۷,۵۰۰	هر کیلو ۷/۲ کیلوگرم	برنج
۸۷,۵۰۰	۲۵,۰۰۰	هر لیتر ۳/۵ لیتر	روغن
۴۰۰,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	در حدود ۱۶ کیلوگرم	میوه
۳۶۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰	هر کیلو ۷/۲ کیلوگرم	پنیر (یا سایر لبنیات معادل پنیر)
۶۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰	هر کیلو ۷۵ گرم	چای
۸۰,۰۰۰	-	-	ماست، سبزی، سالاد
۲۰,۰۰۰	۵,۰۰۰	هر کیلو ۴ کیلوگرم	قند و شکر
۶۰,۰۰۰	-	-	شیرینی، شکلات، آبنبات و...
۲۵۰,۰۰۰	-	۵ نفر میهمان در ماه	میهمان ضروری
۲,۶۳۰,۰۰۰	-	-	جمع
۳,۲۹۰,۰۰۰	-	-	جمع با احتساب ۲۵٪ هزینه‌های حساب‌نشده
۲,۷۵۰,۰۰۰	-	-	هزینه مسکن (با توجه به درصد مالکیت و امکان رهن، شامل آب و برق و تلفن و گاز و تعمیرات)
۵,۷۹۰,۰۰۰	-	-	جمع هزینه‌های خوراک و مسکن
۲,۵۰۰,۰۰۰	-	-	هزینه‌های پوشاش، حمل و نقل، مسافرت، لوازم منزل، بهداشت و درمان (براساس آمارگیری‌های هزینه و درآمد خانوار)
۸,۵۴۰,۰۰۰	-	-	جمع کل

زیادی از جامعه را در رده‌های بسیار پایین و بسیار بالا نادیده می‌گیرد. اگر پوشش آماری کافی باشد، گروهی که در دهک نهم و دهم جای دارد، به دهک‌های پایین‌تر منتقل می‌شود. از طرف دیگر، وضع دهک‌های اول و دوم نیز در واقع بدتر از آن است که نمایش داده می‌شود.

نظریه‌ها، تجربه‌ها و گزارش‌های فراوانی دولت‌ها را مسئول مبارزه با فقر در چارچوب نظام اقتصادی می‌دانند. این امر می‌تواند با سیاست‌گذاری بنیادی و کارآمد برای بهره‌وری، اشتغال، و بازتوزیع درآمد میسر شود. اما خصلت سیاسی و گروه‌بندی و جناح‌گرایی دولت‌ها و همین طور وابستگی آنها به بسته‌های سیاستی، که به قدر کافی یا اصلاً به مسئله فقر و بازتوزیع توجهی ندارند، مانع از آن می‌شود که سیاست‌ها و اقدام‌های ریشه‌ای به مرحله عمل درآیند. در نتیجه، می‌بینیم که فقر در میان گروه‌های اجتماعی خاصی مانند کارگران ساده، بیکاران، زنان و جوانان گسترش یافته است.

در یک کلام، مبارزه با فقر به موضوعی سیاسی و تبلیغاتی تبدیل شده است. گاه اقدام‌هایی مانند انتقال سهام، پرداخت‌های نقدی به بعضی کسان و گروه‌ها، انتقال منابع برای اشتغال‌زایی و جز آن صورت گرفته و می‌گیرد. اما حاصل کار پایدار ماندن فقر و نارسایی درآمد و هزینه خانوار در بخش زیادی از جامعه بوده است. در نتیجه، سهم فزانیده‌ای از خانوارها به زیر هزینه متوسط سقوط می‌کنند و در تأمین نیازهای واقعی و حداقلی درمی‌مانند.

عوامل اساسی مانند تورم، بیکاری، نابهه‌وری، کهرشیدی، توزیع ناعادلانه، فساد، و بی‌توجهی یا نارسایی سیاست‌ها در بروز فقر و محرومیت در میان خانوارها نقش دارند. در ایران، مانند شمار محدودی از کشورها، مشخص شده است که همه این عوامل بر کل جامعه یا گروه‌های اجتماعی متفاوت تأثیرگذارند. اما در شما بیشتری از کشورها به یک یا دو عوامل اساسی می‌توان اشاره کرد. از همین رو، سیاست‌گذاری و یافتن راه حل‌های قاطع برای فقرزدایی در کشورهایی مانند ایران دشوارتر است و به تعمق و اقدام‌های سنجیده و پیگری بیشتری نیاز دارد.

با این حال، ثابت شده است که ساختار توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت اصلی ترین عامل فقر و محرومیت است. دولت‌ها فقط تا حد معینی توانسته‌اند یا می‌توانسته‌اند با این عامل مقابله کنند. سیاست‌های آزادسازی، بازارگرایی و تغییر ساختاری در ایران، که

۴. چند بررسی مقایسه‌ای

برای بررسی مقایسه‌ای درآمد خانوار در چند کشور، کشورهای امریکا، فیلیپین، بربزیل، ایران، مصر و اوگاندا برگزیده شدند. ارقام جدول ۷ بیانگر درآمد فردی (درآمد خانوار بخش بر میانگین تعداد افراد خانوار در کل کشور، اعم از روستایی یا شهری) است. برآورد ارقام مربوط به ایران بر مبنای جداول همین گزارش و تقریبی و از سوی نگارنده است. ایران از حیث شاخص توسعه انسانی، در میان ۱۸۰ کشور، رتبه ۸۳ (تقریباً میانی) را دارد و از حیث درآمد شخصی خانوار بسیار پایین‌تر از این است. درآمد در ایران معادل ۱۲ درصد درآمد در امریکا و در حدود ۲۰ درصد کمتر از این درآمد در سطح جهان است.

جدول ۷. مقایسه چند کشور بر حسب درآمد شخصی و شاخص توسعه انسانی

کشور	درآمد شخصی (۲۰۰۶)	شاخص توسعه انسانی (۲۰۰۵)
امریکا	۲۳۴۸۴	۰/۹۵۰
فیلیپین	۲۶۰۳	۰/۷۴۵
برزیل	۵۶۱۳	۰/۸۰۷
مصر	۱۴۵۰	۰/۷۱۶
اوگاندا	۸۰۰	۰/۴۹۴
ایران	۲۲۷۰	۰/۷۷۷

منبع: www.worldsalaries.org, 2007-2008

۵. بحث و نتیجه‌گیری

آمارهای مربوط به اندازه‌گیری فقر و پایش فقر در ایران کاملاً نارسا و، در موارد زیادی، گمراه‌کننده است. شیوه‌های آمارگیری از یک سو و وامنوسازی آماری از سوی دیگر حکایت از آن دارند که دولت‌ها، یکی پس از دیگری، در کار خود موفق بوده و فقر را مهار کرده یا آن را کاهش داده‌اند. عوامل سازنده فقر با روشنی و دقیق در نظر گرفتن جنبه‌های اقتصادی مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. فقر را عموماً پدیده‌ای نامطلوب که ناشی از برخی ناکارکردی‌ها یا بدکارکردی‌های است و مورد توجه دولت هم هست معرفی می‌کنند. همه دولت‌ها در ۳۲ سال اخیر، و همچنین پیش از آن، از موقیت خود در شناخت فقر و اتخاذ سیاست‌های مناسب صحبت کرده‌اند، در همان حال، شناسایی و تمایز کافی بین فقر و فقیران و تحلیل ریشه‌های دو پدیده وجود ندارد.

آمارهای هزینه و درآمد خانوار بهویژه گمراه‌کننده است و بخش

اقتصادی، موضوع رفاه همگانی، توسعه اجتماعی و مبارزه با فقر را کم‌اهمیت تلقی کنند. ضرورت امروز ما کنار گذاشتن سیاست‌های رشدخواه و درآمدگرا اما فقرزا و اتخاذ بسته سیاستی جدیدی است که رشد را از طریق بازتوزیع منابع و فعال کردن گروه‌های اجتماعی در نظارت دموکراتیک تأمین کند؛ و این یعنی سیاست و برنامه‌ریزی به منظور توسعه همگانی.

منابع

- استیگلیتز، جوزف ای. (۱۳۸۲)، *جهانی‌سازی و مسائل آن*، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشری.
- . (۱۳۸۶)، *نگاهی نوبه جهانی‌سازی*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، نشر چشم.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۸)، *شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران*، تهران.
- برانت، کریستینا. (۱۳۸۳)، *دولت رفاه و حمایت‌های اجتماعی، راهبردهای فقرزدایی*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- بونولی، جولیانو، *جورج ویک و تبلر - گویی پیتر*. (۱۳۸۰)، *دولت رفاه در اروپا*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، *جورج، سوزان و دیگران*. (۱۳۸۲)، *استعمار پس‌امدز*، ترجمه احمد سیف، تهران، نشر دیگر.
- رئیس‌دان، فریبرز. (۱۳۸۰)، *بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*، ج. ۱، تهران، چشم، چ.
- رئیس‌دان، فریبرز، ژاله شادی طلب و پرویز پیران. (۱۳۸۰)، «در زیر خط فقر»، *فقر در ایران*، به کوشش سعید مدنی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۸)، سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، پیوست ۲ (جلد اول)، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۸۴)، سند تلفیقی استاد توسعه بخشی و فراپوشی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- سن، آمارتیا کومار. (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه حسین راغفر، تهران، کویر.
- فریدمن، میلتون و رز فریدمن. (۱۳۶۷)، *آزادی انتخاب*، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی، تهران، نشر پارسی.
- گرنیزپان، آلاندرو. (۱۳۸۲)، «درآمد: تغییرات تحرک افرین در سیاست‌گذاری»، *سیاست‌های فقرزدایی (راهبردهای مبارزه با فقر در کشورهای در*

سرسختانه اما کاملاً سلیقه‌ای و مبنی بر منافع اقتصادی و سیاسی جناحی پیگیری می‌شود، آنچنان با ماهیت قدرت و منافع اقتصادی آن گره خورده است که جایی برای اقدام‌های اساسی باقی نمی‌گذارد. حتی سیاست‌های ضد تورم و ضد بیکاری نیز به اصطلاح نیمبند و ناتمام و فاقد کارآمدی لازم‌اند که ناشی از همان ماهیت قدرت دوگانه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی (ایدئولوژیک) است.

فرار سرمایه‌ها، آزاد بودن سرمایه‌گذاران در کسب منافع فوق عادی و رانت، نبود نظارت دموکراتیک و، از همه مهم‌تر، فقدان تشكل‌های صنفی آزاد و مستقل موجب ناکارآمدی و نامکفی شدن سرمایه‌های مولد شده است. بهانه اصلی برای نهادینه شدن این وضعیت، دفاع از اصل آزادی سرمایه‌گذاری و انگیزه کسب سود است، در حالی که پایداری این وضعیت در واقع، با ایجاد فقر و گرفتاری، آزادی‌ها را مختل کرده است.

توزيع درآمد در ایران از ناعادلانه‌ترین توزیع‌ها در جهان است. در عین حال، با سرعتی فزاینده و بالاتر از بسیاری از کشورهای جهان، بر شمار افرادی که زیر خط فقر نسبی قرار می‌گیرند افزوده می‌شود. اثر سیاست‌های بازتوزیعی و رفاهی بر ضرایب توزیع درآمد نامعلوم است، اما به هر حال نامطمئن ارزیابی می‌شود.

در ایران، مانند شمار زیادی از کشورهای کم‌توسعه یافته، به رابطه میان فقر و گروه‌های شغلی و طبقاتی توجه نشده است. همین امر موجب شده که مبارزه با فقر ریشه‌دار و پیوسته نباشد. مبارزه‌ها بیشتر مظاهر فقر را نشانه گرفته‌اند و نه علت‌ها را. وجود بیکاری گسترده در میان زنان و کارگران، از یک سو، و نبود حمایت‌های اجتماعی برای خانوار، از سوی دیگر، موجب بی‌دافعی بنیه اقتصادی خانوار شده است. تشكل‌های مستقل کارگری و حمایت از مصرف‌کننده که بتوانند، در مقابل قدرت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری، اقدام‌های حمایت‌گر خود را مطرح و مانع سقوط سطح واقعی زندگی شوند وجود ندارد. از این رو، آفت بزرگ اقتصاد ملی یعنی رکود تورمی، از طریق تشید توزیع ناعادلانه، موجب فقر و محرومیت می‌شود.

در مطالعه مقایسه‌ای کشورها دانسته شده است که، با پذیرش نظام اقتصادی مقرر، مبارزه با فقر بر عهده دولت‌های است و توقع جامعه به‌ویژه مردم فقیر نیز همین است. دولت‌ها نباید به بهانه عدم مداخله در آزادی سرمایه‌گذاران یا بر عهده داشتن مسئولیت رشد

حال توسعه، به کوشش آلیاندرو گرنیپان، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، مرکز آمار ایران. (۱۳۸۷)، آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری، تهران.
 ——— . (۱۳۸۶)، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۶، تهران.
 ——— . (۱۳۸۷)، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۷، تهران.
 هاربرگ، آرنولد، سی. (۱۳۸۲)، «چشم انداز سنگرهای فراگردی توسعه و سیاست‌ها از منظر یک حرفه‌ای دست‌اندرکار»، پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده و چشم‌انداز، به کوشش جرالد میر و جوزف استیگلیتز، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی.

Atkinson, A. B. (1994), *The Welfare State and Economic Performance*, Welfare State Programme Discussion Paper 104, London, STICERD, LSE.

Chenery, H. and M. S. Ahluwalia. (1974), "A Model of Distribution and Growth", in: H. Chenery et al., eds., *Redistribution with Growth*, Oxford University Press.

Kuznets, S. (1955), "Economic Growth and Income Inequality", *AER* 45 (March).

Williamson, J. (1990), "What Washington Means by Policy Reform", in: J. Williamson, ed., *Latin American Adjustment: How Much Has Happened*, Washington: Institute for International Economics.

——— . (1997), "The Washington Consensus Revisited", in: L. Emmery, ed., *Economic and Social Development into the XXI Century*, Washington, Inter-American Development Bank.